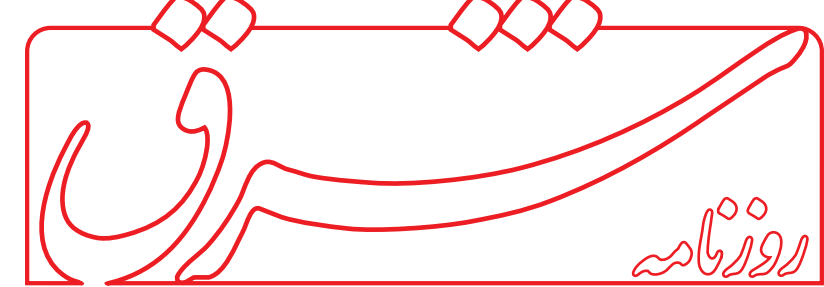




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸۰۷۱۹-۱
تلفن اکیه: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۶۶۱۸۱۲۰-۵
چاپ: کاراپیام تلفن: ۴۴۹۸۲۹۶۹
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳۰۶ اذان مغرب ۲۰:۴۴ اذان صبح فردا ۴:۰۲ طلوع آفتاب ۵:۴۸

شش



یکشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۰ | ۱۶ رجب ۱۴۲۲ | ۱۹ ژوئن ۲۰۱۱ | سال هشتم | شماره پیاپی ۱۲۷۲ | شماره ۳۴۹ دوره جدید | ۱۶ صفحه + ۱۶ صفحه ضمیمه

رونمایی از تمیر آقای بازیگر در جشن زادروز ۸۷ سالگی



تالار وحدت، عصر روز دوشنبه ۳۰ خرداد، میزبان برگزاری نکوداشت و جشن زادروز ۸۷ سالگی «آقای بازیگر؛ عزت‌الله انتظامی» می‌شود. مراسم نکوداشت و زادروز ۸۷ سالگی «عزت‌الله انتظامی» با حضور جمعی از همکاران، دوستان‌ار، هنرمندان و نمایندگان رسانه‌های جمعی در تالار وحدت برگزار می‌شود؛ این درحالی است که در مراسم مذکور از تمیر یادیود وی نیز رونمایی خواهد شد. مراسم مذکور با همکاری مشترک بنیاد فرهنگی هنری رودکی و مرکز موسیقی بهنپوون تدارک دیده شده‌است.

بازتاب

به بهانه توقیف هفته‌نامه «۹ دی»
بابت انتشار یک کاریکاتور

جای خالی رعایت حقوق هنرمندان

کیوان زرگری



■ هفته گذشته خبر توقیف هفته‌نامه «۹ دی» بابت انتشار کاریکاتوری از چهره سیدمحمد خاتمی به قلم هادی حیدری منتشر شد. در وهله اول، برای من شنیدن خود این خبر حیرتانگیز بود چرا که هیچ سنجینی بین موضوع این کار، کاریکاتوربست اثر و محل انتشار آن پیدا نکردم. اول با خود فکر کردم که شاید هادی هم به قول بعضی‌ها برگشته و با این نشریه همکاری می‌کند، ولی کمی بعد که مطلب هادی در روزنامه «شرق» به نام «آقای رسایی! سند ادعای‌تان کجاست؟» را خواندم، متوجه شدم این بنده خدا هم از انتشار اثر اثر و تبعات پس از آن بی‌خبر بوده‌است. البته این اولین بار نیست که یک نشریه با سوءاستفاده از کاریکاتور جهت بهره‌برداری‌های سیاسی خود اقدام کرده‌است. نشریات بسیاری در سال‌های اخیر به دلیل انتشار کاریکاتور توقیف یا جریمه‌های مالی رویه‌و شده‌اند و در مواردی برای کاریکاتوربست‌ها هم مشکلات زیادی ایجاد شده‌است، ولی در رویداد اخیر شاهدیم کاریکاتوربستی به مناسبتی کاریکاتوری را به عنوان یک هدیه به شخصیتی اهدا کرده و این نشریه در جریان تهیه ویژه‌نامه‌ای علیه رقیب سیاسی خود، این کاریکاتور را احتمالا از طریق اینترنت کشف و در نشریه‌اش منتشر می‌کند. نکته جالب توجه این است که آیا این جریان سیاسی برای تبلیغ علیه جریان دیگر یک تصویر تولیدی در آرشوش نداشته که مجبور شده از این طرح استفاده کند؟ آقای رسایی و نشریه‌شان باید بداندن سوءاستفاده از آثار هنرمندان و نادیده گرفتن حقوق مسلم و قانونی صاحب اثر تنها باعث فاصله بیشتر هنرمندان از مدیران و نشریات وابسته به این نوع نگرش‌ها خواهد بود و تبعات جریان‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. در شرایطی که بسیاری از هنرمندان کاریکاتوربست مجبور شده‌اند شغل و حرفه‌ای دیگری را برای گذران معیشت انتخاب کنند، بهتر است با عملکردهایی از این دست لاقل مشکلات بیشتری را به خانواده کاریکاتوربست‌ها تحمیل نکنیم، هرچند کارتونبست‌ها نیز همانند سایرین از فعالیت مطبوعات دفاع کرده و منتقد توقیف نشریات (حتی رقیب) هستند.

اتفاق

«نویسندگان نباید سیاسی باشند»
در صف دریافت مجوز

■ «نویسندگان نباید سیسی باشند» پنج ماه است که در انتظار دریافت مجوز نشر است. کتاب «نویسندگان نباید سیاسی باشند» دربرگیرنده مجموعه مصاحبه‌ایی از نویسندگان مختلف دنیاست که به بحث درباره نسبت ادبیات و سیاست می‌پردازد. به گفته هاشم بنایور- گردآورنده و مترجم این کتاب- این اثر گفت‌وگوهایی از جورج اورول، سوزان سانتاگ، ایتالو کالوینو، جان هابزبرس، امیرتو،اکو،ارنست گامبریج و ایزابل آلتند را دربرمی‌گیرد.

انتشار «این برف کی آمد»
حسینی‌زاد

■ دومین مجموعه داستان محمود حسینی‌زاد منتشر شد. مجموعه داستان «این برف کی آمد» نوشته حسینی‌زاد ازسوی نشر چشمه به چاپ رسیده‌است. به‌گفته نویسنده،این اثر دربرگیرنده ۱۳ داستان کوتاه‌است که به زندگی بعداز مرگ و این موضوع می‌پردازد که برخی باتر گذشتگان خود: زندگی می‌کنند.

انتشار ترجمه انگلیسی
شعر های قیصر امین‌پور

■ ایستة ترجمه انگلیسی گزیده‌ای از شعرهای قیصر امین‌پور منتشر شد. منتخبی از سروده‌های قیصر امین‌پور با ترجمه سعید سعیدپور از سوی انتشارات انجمن شاعران ایران به چاپ رسیده‌است.

یادداشت

خودباوری ضرورتی فوری



احمد رضا دالوند

■ ابن خلدون که از مورخان بزرگ عرب است در ۷۷۹ هجری، درباره نقش ایران در ایجاد فرهنگ اسلامی شرحی نوشته که از این قرار است: «از غرائب آنکه در جامعه اسلامی چه در علوم شرعی و چه در علوم نقلی، اکثر پیشوایان علم ایرانی بوده‌اند، مگر در موارد نادر و قلیل و چنانچه بعضی از آنان منسوب به عرب بوده‌اند؛ زانشان فارسی و محیط تربیت و اساتیدشان ایرانی بوده، آنکه حال صاحب شریعت، عرب است.» پروفیسور ادوارد براون، استاد دانشگاه کمبریج انگلیس در تعلقی که در فرهنگستان بریتانیا ایراد کرد، گفته بود: «در هر رشته از ادبیات عرب، ایرانیان مقام برجسته دارند، نه تنها در فلسفه و علوم، بلکه در تاریخ و جغرافیا و تفسیر و خدانشناسی و ریاضی و حتی در صرف و نحو و لغت و شعر عربی.» در ۵۲۹ میلادی، وقتی «روستی‌نین» Justinien امپراتور روم، دانشگاه آتن را تعطیل و هفت نفر از حکما و فلاسفه را از تعلیم فلسفه منع کرد؛ اینان به ایران پناه آوردند و چندی در دانشگاه گندی‌شاپور اقامت گزیدند. این نمونه کوچکی از دانش دوستی ایرانیان است. اما به علت هجوم مکرر اقوام و قبایل نیمه وحشی، مخصوصا مغول و تاتار، در روحیه ایرانیان نوعی احساس ناپایداری و بی‌علاقگی به دنیا رسوخ پیدا کرد. به طوری‌که این تفکر در ادبیات ایران منعکس شد؛ آنچنانکه حتی فردوسی نیز گفت:

یکی پند گویم ترا من درست

دل از مهر گیتی بیاید شست
و خیام:حوال جهان و عمر فانی و وجود
خوابی و خیالی و فربیی و دمی است
و حافظ:به مأمنی رو و فرصت شمر غنیمت وقت
که در کمینگاه عمرند قاطعان طریق
در اثر شیوع این قبیل افکار، کوشش ما تاکنون در تولید علم، کشف مجهولات و گسترش فعالیت‌های دامنهدار اقتصادی، بسیار محدود بوده‌است و پیوسته محزون بوده و با منطق باری به هر جهت گذران می‌کردایم. تردید در این جهان‌بینی ریشه‌دار و دسترسی به خودباوری، ضرورتی فوری است.

از جنس خودمان

برای همه بروبچه‌های اعتماد
همان «اعتمادی» که می‌شناختیم
پژمان موسوی



■ «اعتماد» دوباره آمد؛ همان اعتمادی که می‌شناختیم و به آن دل‌سته بودیم. قوی هم آمد؛ با تیمی حرفه‌ای و متوایلی قابل تامل و فرمی چشم‌نواز و ساختارمند و این یعنی همان دورکن یک روزنامه خوب. ۲۱۸۸ شماره در کنارمان بود و در کنارش بودیم تا اینکه ۱۶ ماه پیش به دلایلی به محاق توقیف رفت و در آن زمان جای خالی نبودنش را به خوبی اهل رسانه از یک طرف و مردم از طرف دیگر درک کردند. گذشت و گذشت و ما هر روز خبری مبنی بر انتشار قریبالوقوع اعتماد بعد از طی مراحل قضایی می‌شنیدیم و هر روز هم با تکذیب این خبر رویه‌رو می‌شدیم؛ اینک اما اعتماد دوباره بازگشته است با همان عهد پیشین‌اش. این را البته گردانندگانش می‌گویند و بر این باورند که اعتماد در دوره جدید با هیچ تعبیر موضعی رویه‌رو نخواهد بود؛ توله هر رسانه به خودی خود، خبری خوب برای اهل فکر و اندیشه است؛ برای همه آنانی که به دنبال جریان آزاد اطلاع‌رسانی‌اند و به دنبال «خبر» و «تحلیل» به دنبال روشنگری و شفاف‌سازی‌اند و البته به دنبال اعتمادسازی و کثرت‌گرایی. انتشار دوره جدید اعتماد در همین بدو امر با استقبال گسترده‌ای رویه‌رو شده است؛ ماشاءالله شمس الواعظین، زهرا اشراقی، مدیا کاشیگر، فیاض زاهد، احمدرضا دالوند، عرفان قانع‌فر، فرانزه طاهری، مهدی تقوی، مهرنوش جعفری، محمدرضا تابش، مرتضی مبلغ و سعید لیلاز از جمله نویسندگان و چهره‌هایی بودند که روز گذشته با نگارش یادداشت در این روزنامه، بازگشت اعتماد به جامعه مطبوعاتی ایران را اثربریک گفتند و انتظارات‌شان را از یک روزنامه حرفه‌ای به طور روشن با گردانندگان این روزنامه در میان گذاشتند؛ دغدغه‌هایی که می‌تواند برای سایر روزنامه‌های امروز ایران نیز موضوعیت داشته باشد و در سرلوحه جهت‌گیری‌های آنها قرار گیرد. روزهای بهتر «اعتماد» را انتظار می‌کشیم و امید داریم که این روزنامه همچنان که در پیشانی‌اش آمده است، محملی باشد برای «ازگشت اعتماد به جامعه».

شرق: پرویز پرستویی که حدود دو سال است کمتر در رسانه‌ها و محافل خبری حاضر شده است، درروز و در بازگشت از سفر آلمان و فرانسه گفت، دوگویی تفصیلی با خبرنگار ایستا داشت. وی در این گفت‌وگو با اشاره به اینکه مردم

بسیار شریف هستند و با مشکلات زیادی زندگی می‌کنند، گفت: آنها اشتباهات را خیلی راحت نادیده می‌گیرند و گذشت در وجود کتک‌ک ایرانی‌ها وجود دارد. پرستویی در این گفت‌وگو با اشاره به وضعیت امروز سینما گفت: من نه با کسی دعوی‌ای دارم، نه جنگی و نه طلبی و نه کسی حق من را خورده است؛ ولی به هر حال خودم رو نمی‌توانم از خلواده سینما جدا ببینم. از طرفی بحث ارشاد یا خانه سینماست که امیدوارم هر چه زودتر حل شود و الا این سینماست که آسیب می‌بیند. این بازیگر در ادامه با گلایه از برنامه «هفت» آن را برای سینمای ایران مخرب دانست و اظهار کرد: نمی‌دانم چه اثرامی است که این برنامه وجود داشته باشد و با چه انگیزه‌ای این برنامه ساخته می‌شود؟ اگر آقای فردوسی‌پور می‌آید و ۹۰ را می‌سازد که چنین درخششی دارد باید توجه داشت بحث فوتبال چیز دیگری است و سینما با ورزش تفاوت دارد. بعضی از مسایلی که در برنامه «هفت» به آن پرداخته می‌شود، در شأن سینمای ایران نیست. وی افزود: آقای جیرانی، تهیه‌کننده این برنامه که اهل قلم و خودش هم کارگردان سینماست، چرا باید دست به تهیه چنین برنامه‌ای بزنند؟ من قصد بی احترامی به کسی را ندارم و بحتم سینمای ملست؛ در واقع به جایی می‌رسد که آقای جیرانی هم می‌خواهد برنامه‌اش را به هر شکلی پر کند که

آقای جیرانی شما چرا؟



این مشکل ساز می‌شود آدم‌هایی به برنامه آورده می‌شوند، رویشان فوکوس می‌شود و جامعه نسبت به آنها بدبین می‌شود. پرستویی ادامه داد: بعضی وقت‌ها واقعا مردم به ما گوشزد می‌کنند می‌گویند شما خیلی وظیفه سختی دارید شما هنرمندی‌ها از شما توقع داریم. اگر سینما خوب نیست برویم کار دیگری پیشه کنیم یا حداقل در فکر جراید باشیم که از

این وضعیت نجات پیدا کنیم. وی افزود: الان می‌دانم من را به سیخ می‌کشند، تو غم نان نداری این حرف‌ها را می‌زنی. می‌گویم دوست عزیز بزرگوار، تو که روز اول پذیرفتی و حتما به تو گفتند که توقعی نداشته باش که با هنر برج بسازی، هنر گرسنگی هم دارد، اجاره‌خانه هم دارد، بچه دانشجوی هم دارد و آدم‌ها برای هنر، خون ریختند و برای هنر پشت میله‌های زندان پوسیدند. چرا شرح وظایف‌یمان یامان رفته است. خیلی از آدم‌ها با این فیش حقوقی‌ها زندگی می‌کنند. این زیاده‌خواهی‌ها، وضعیت فعلی سینمای ما را آسیب‌پذیر کرده است. بازیگر فیلم «هارمولک» درباره کم‌کاری‌اش در این سال‌ها گفت: وقتی فیلمنامه با خود من ارتباط قرار نمی‌کند، چگونه با مخاطب برقرار کند. من هم که اگر کلس بودم مرتب کار می‌کردم؛ از این فیلم به آن فیلم می‌کنم که شرایط سختی بالاخره در شرایطی که زندگی می‌کنم که شرایط سختی هم هست، نمی‌آید که تا تئورداغ است بزینم و بچسباییم و به قول معروف پس اندازی برای خودمان داشته باشیم. به هر حال هر کسی دوست دارد در رفاه باشد، ولی جاهایی آدم با خودش می‌گوید، به چه قیمتی؟

غلامرضا امامی

emami@hotmail.it



از پس سال‌ها او را می‌بینم که مرغ حق ما می‌خواند و خوش می‌خواند، نستوه و استوار چونان سروی ستبر و سبز ایستاده و مردمان را به ایستادن فرا می‌خواند. خود نام مستعار «شمع» را برگزیده بود. او را می‌بینم که چگونه می‌سوزد و می‌گذارد و آب می‌شود اما دل‌ها را روشن می‌کند، تاریکی‌ها را می‌زداید. چه در دل دارد این زاده «مزنان» گسترده چون کویر، بخشنده چون دریا، پایدار چون کوه.

خفنگان را به بیداری فرا می‌خواند و غم این خفته چند خواب در چشم ترش می‌شکند.

چه سخت است بندها را دریدن، آینه‌ها را از زنگار زدودن- او را می‌بینم که در دریای اندیشه شناور است، تیرها به سویش روان است، اما او به پیش می‌تازد، بی‌بیم از خدنگ‌ها و خدعه‌ها.

جان بلند او در پی راهایی است. آنچه از میراث کهن اندوخته است، آنچه از ایمان آموخته است بر سفره اندیشه می‌نهد و همه را به میهمانی فرا می‌خواند.

چه افق‌های تازه‌ای برای ما ترسیم کرد، چه تصویرهای شگفت و زیبایی آفرید، درهای بسته را گشود؛ درچه‌هایی دل را باز کرد. به سحر بیايش، را‌زاها گشود. هیچ‌کس چون او نبود، سخنش گرم بود، یخ‌ها را آب می‌کرد. قلمش گیرا بود، به چشم‌های گورا می‌ماند که تشنگان را زندگی می‌بخشد. «کتر علی شریعتی» هر که بود، هر چه بود، خودش بود،

برداشت آخر

انتقاد حسین علیزاده از کپی غیرقانونی آثارش

سحر آراد



حسین علیزاده که سال گذشته به همراه مجید خلیج تور کنسرتی در شهرهای مختلف ایران برگزار کرد، دیروز در یک نشست خبری با بیان اینکه شنوندگان شهرستان‌ها جزو بهترین‌های شنوندگان هستند، گفت که کپی فیلم کنسرت گرگان او بدون اجازه و با آرم وزارت ارشاد منتشر شده است. حسین علیزاده، آهنگساز و نوازنده تار و سه تار در نشست مطبوعاتی افتتاح سایت اینترنتی خود که روز گذشته، ۲۸ خرداد در تالار وحدت برگزار شد، گفت: «ما در خارج از ایران دو گروه شنونده داریم. تعدادی از آنها ایرانی و بخشی غیرایرانی هستند که آداب کنسرت را می‌دانند. متأسفانه در تمام دنیا شاهد هستیم ما ایرانی‌ها وقتی روی صحنه می‌رویم، مردم دوربین‌های خود را روشن می‌کنند.» او از شنوندگان شهرستانی برای رعایت کردن آداب کنسرت تشکر کرد: «دوست دارم حس خوبم را از شنوندگان غیرتهرانی بگویم. در تمام کنسرت‌هایی که در شهرستان‌ها برگزار شد، هیچ چراغی از دوربین‌ها و صدای زنگی از موبایلی شنیده نشد. برای همین واقعا آنها را ستایش می‌کنم. همین مساله من را به عنوان یک موسیقیدان ایرانی سرشوق می‌آورد.» علیزاده سپس از کپی غیرقانونی فیلم کنسرت خود در گرگان انتقاد کرد: «داره ارشاد گرگان به ما گفت: با دوربین‌های حرفه‌ای از کنسرت فیلم می‌گیرند و خودشان آن را به ما می‌دهند؛ منتها بعد از دو ماه این فیلم با آرم وزارت ارشاد بیرون آمده است. من از این موضوع بسیار تعجب کردم چون همکاری آنها بسیار صمیمانه بود. ما و ارشاد گرگان مشغول بگیری این مساله هستیم.» آهنگساز نینوا در بخش دیگری از نشست گفت: «کلا کپی کردن از کارهای هنری انقدر عادی شده است که حالا مراکز دولتی با آرم خود اقدام به کپی آثار می‌کنند.» علیزاده با بیان اینکه کلاس‌های آموزشی در موقعیت کنونی می‌تواند

زایوه

با شریعتی؛ شاهد زمانه

بر سر آنچه حق می‌دید، می‌ایستاد. نقی به رو نزد، سخنی بر سر مصلحت نگفت، همیشه می‌گفت بزرگ‌ترین مصلحت «حقیقت» است.

دکان دو نهنی باز نکرد، دل و زبانش یکی بود و یا دورویان بیگانه. کلام را گوهری می‌دانست و قلم را توتمی، او خود شاهدهی بود بر زمان و زمان دآوری بر او. به برکت واژه‌های او بود که خفنگان بیدار شدند. بر هیچ درگهی «قلم» را قربانی نکرد، همیشه می‌خواند و می‌خواست. خواست او به‌روزی مردمان بود و در این راه ارش‌وار از جان مایه گذاشت، در هر واژه‌اش، در هر کلامش-.

پس از سال‌ها او را می‌بینم، خفته در زینبیه شام، میان زمین و آسمان، اما چشم جهان‌بین بیدارش همیشه‌بینا.

با گذشت سال‌ها او را می‌نگرم که در کوره راه‌ها، در پیچ و خم‌ها نمی‌ایستد، به پیش می‌رود و همواره در راه است. می‌توان با بسیاری از اندیشه‌های او همراه نبود اما هرگز از یاد نبریم که سخن از سر سق و صفا گفت و زندگی را با مهر

مردمان به پایان برد
او را می‌بینم که چون باغیانی بذرها می‌افشاند چون همیشه توفان‌ها در راه است، اما بذرها‌ی او بر می‌کشند، سر می‌کشند. او را می‌بینم که نومیدان را امید می‌بخشد، خستگان را پناهِ روزنگارن را سایه‌بان-.

او را می‌بینم که همچنان به پیش می‌رود، پرده‌ها را می‌در، پندها را می‌گسیلد، دل به مهر مردمان دارد و از سر درد سخن می‌گوید.

درخت تناور ما در پایان پناهِ ایستاده فرو افتاد، اما بهاران کلام همیشه جوان او به جان جهان پیوست-.

از مولوی مدد می‌گیرم:

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست

چرا به دانه انبساط این گمان باشد؟

که توانست رده ششم جدول فروش فرانسه را از آن خود کرد

«جدایی نادر از سیمین» رده ششم جدول فروش فرانسه را از آن خود کرد

سارکوزی مشتاق دیدن فیلم فرهادی

که ۴۰ سینما آن در پاریس و

حومه آن قرار داد فیلم را نشان

می‌دهند» در این مدت که ۱۲ روز

از اکران فیلم می‌گذرد استقبال

مردمی این فیلم را از فیلم‌های

«تیمه‌شب در پاریس» ساخته

وودی آلن، «ایکس من» آمریکایی

و برنده جایزه نخل طلایی کن

می‌خورد و به گفته بخش‌کننده

برادران داردن بالاتر قرار داده است. این فیلم

